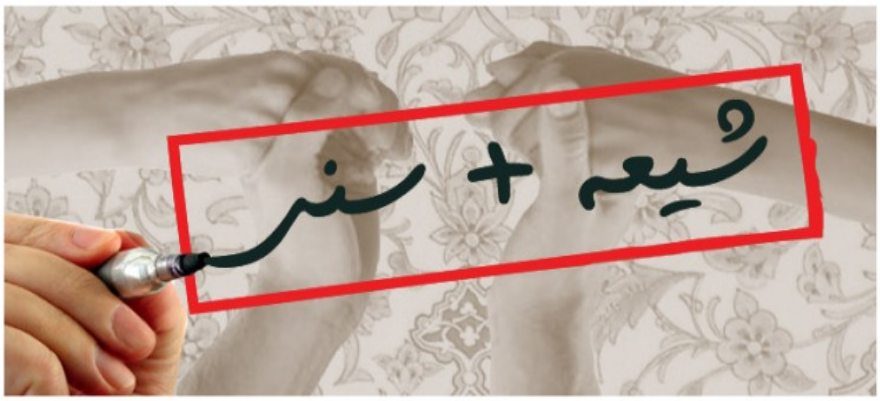
الگوی پایدار برای احیای حرکت تقریب



www.taqrib.ir

الگوی پایدار برای احیای حرکت تقریب مذاهب کدام است؟

بهمن دهستانی

تقریب مذاهب اسلامی و به‌طور مشخص تقریب مذهب تشیع و تسنن خود از دیرپاترین حرکت‌های اسلامی در تاریخ معاصر جهان اسلام است گرچه رشد اندیشه تقریب مذاهب و وحدت اسلامی از ریشه‌ها و خاستگاه‌های مختلف و بعضاً غیرهمسو برخوردار است و امروز اثبات این پیش‌فرض یا تلقی رایج که مصلحان شیعه و سنی همواره دارای یک نقطه عزیمت مشترک و برخوردار از تصویری یکسان از تقریب مذاهب و آرمان وحدت اسلامی بوده‌اند دشوار است؛ اما واقعیت تاریخی آن است که این دو جریان با یکدیگر

تلاقی‌ها‌ی مؤثر و چشمگیر داشته و خطوط برجسته‌ای از تاریخ معاصر و حتی حفظ و معنابخشی به مفهوم «جهان اسلام» را رقم زده‌اند.

این نوشتار چهار نقطه عطف را برای حرکتِ اسلامی تقریب مذاهب منظور‌ می‌کند. نخست جنبش بیداری خواهی سیدجمال الدین اسدآبادی و شاگردان او که با عناوین مختلفی مانند اتحاد اسلام از آن یاد‌ می‌شود و با وجود اصالت و ژرف اندیشی‌هایی که داشت و به آن قائل بود در دایره تحرک و بعضاً حمایت خلافت عثمانی که برای بازیابی اقتدار خویش در دوران افول و انحطاط و ممانعت از تجزیه سرزمین‌ها‌یش‌ می‌کوشید به اقدام‌ می‌پرداخت اما اندیشه بازگشت به قرآن رهاورد شاخص آن است.

دوم تأسیس دارالتقریب در قاهره با مشارکت شیخ محمدتقی قمی و بالندگی روابط حوزه قم و الأزهر مصر با زعامت آیت‌ا‌ بروجردی و شیخ شلتوت که اوج خود را در صدور فتوای جواز تبعیت از مذهب جعفری توسط شیخ الأزهر در سال ۱۹۶۰م نشان داد. بنیان، هویت و رهیافت تقریب در این مقطع، بیش از هر زمان تکاپوها و مبادلات علمی است.

نقطه عطف سوم را پیروزی انقلاب اسلامی و احیاگری امام خمینی(ره) به وجود‌ می‌آورد. تقریب مذاهب و وحدت اسلامی جزء ثابتی از ادبیات و اندیشه رهبران انقلاب و نهضت اسلامی ایران بود و امید فراوانی در سطح جوامع مسلمان منطقه برانگیخت و به‌طور طبیعی انقلاب اسلامی ایران را شایسته و علاقه‌مند به رهبری و هدایت بیداری اسلامی در جهان اسلام می‌کرد. از این رو سرمایه گذاری‌های فراوانی برای این مهم صورت پذیرفت و دستاوردهای متعددی به همراه داشت که شاید نماد آن تشکیل دوباره مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در تهران و برگزاری کنفرانس‌های سالانه وحدت اسلامی باشد.

نقطه عطف چهارم را باید در سال ۲۰۱۱م جست که خیزش‌های مردمی موسوم به بهار عربی خاورمیانه و شمال آفریقا را فراگرفت و با سقوط پی‌درپی سران عرب امید به تحرک سازنده محافل و مراکز دینی کشورهای عربی برای نقش آفرینی مستقل از سیاست‌های رسمی و دستورالعمل‌های حکومتی را برانگیخت.

برگزاری پی‌درپی کنفرانس‌هایی با عنوان بیداری اسلامی و دعوت گسترده از نخبگان و فعالان کشورهای عربی برای حضور در ایران نوید از آغاز فصل تازه‌ای از تقریب مذاهب‌ می‌داد اما دقیقاً در همین مرحله بود که چالش‌ها و کاستی‌های حرکت تاریخی تقریب مذاهب خود را آشکار ساخت.

در نخستین کنفرانس بیداری اسلامی در تهران همزمان با التهابات مصر و تونس و آغازین ماه‌های بحران سوریه بود که برخی علماء و چهره‌های دینی شرکت کننده از کشورهای اسلامی از عدم امکان سخن گفتن و گفتگو درباره مسئله سوریه به‌طور علنی در صحن همایش انتقاد کردند.

متقابلاً با اوج‌گیری قیام مردم شیعه بحرین در ادامه سیر انقلاب‌های عربی، یوسف القرضاوی برجسته‌ترین عالم دینی حاضر در صحنه تحولات جدید خاورمیانه صریحاً حرکت بحرین را اقدامی طائفه‌ای و فرقه‌ای و غیرمرتبط با بهار عربی خواند. یوسف القرضاوی که در اواخر دهه ۹۰م به ایران سفر کرده بود و در کتاب «مبادی فی الحوار والتقریب بین المذاهب والفرق الإسلامیه» از جواز و استفاده خود از مهر برای نماز در جریان آن سفر به تهران سخن می‌گوید؛ تا انکار فتوای شیخ شلتوت در جواز تعبد به فقه جعفری پیش آمد!

اکنون سه قطب اسلامی اتحادیه علمای مسلمین با حمایت قطر و ترکیه، مجلس حکمای مسلمین با پشتیبانی مصر و امارات و اتحادیه علمای مقاومت به‌مثابه بازوی مجمع تقریب مذاهبِ جمهوری اسلامی و با حمایت حزب‌الله سعی در حضور فعال در مناسبات جهان اسلام دارند اما بحران سوریه نشان داد که مجامع دینی شناخته شده تا چه اندازه گرفتار ناکارآمدی و ناتوانی هستند و بی‌اعتمادی میان آن‌ها حکمفرما است. عربستان سعودی نیز با مجامعی همچون رابطه العالم الإسلامی و بهره‌مندی از استقرار مجمع فقه اسلامی وابسته به سازمان همکاری‌های اسلامی در جده و برگزاری کنفرانس تاریخی مکه در موسم حج منزلتی والاتر از سه مجموعه دیگر برای خود قائل است.

با همه این‌ها اکنون قطع تماس و گفتگو میان اجزای محوری جهان اسلام بالغ بر یک دهه، روز به روز بر تعمیق شکاف‌ها افزوده و تمام گردهمایی‌های اسلامی غالباً به کانون اجتماع چهره‌های همسو و همفکر تبدیل شده است.

بررسی نقاط عطف تاریخی حرکت تقریب مذاهب به‌مثابه حلقه‌های پیوند این جریان اثبات می‌نماید اوج شکوفایی آن در دوره اوج ارتباطات و گفتگوهای علمی است. امسال شصت و دومین سال صدور فتوای جواز تعبد به مذهب جعفری توسط شیخ الأزهر است که تبدیل به سرمایه‌ای در روابط بین مذاهب شده است اما باید به‌روشنی دانست گفتمان کشف و استنباط مشترکات در عین آنکه دستاوردهای گران‌قیمتی مانند موسوعات احادیث مشترکه و امثالهم به کتابخانه جهان اسلام تقدیم کرده است اما نیازمند جهش به گفتمان گفتگوهای انتقادی است که در تمدن اسلامی خود سنتی دیرینه است که بعضاً با نام مناظرات شناخته می‌شود. مجاهدت‌های علامه سیدشرف الدین عاملی نمونه ممتاز و اعلایی از امکان و

کارآمدی به‌کارگیری روابط و گفتگوهای علمی-انتقادی آن هم به‌طور مستقل و فارغ از مجامع و سیاست‌های رسمی است. این رهیافت مدل متواضعانه‌ای در میان انواع راهبردهای آزموده شده در تقریب مذاهب است که در تمامی مقاطع و نقاط عطف مذکور و فواصل زمانی میان آن‌ها به اشکال گوناگون تکرار شده است و تجارب ارزنده‌ای را رقم زده است و می‌تواند در دشوارترین شرایط سیاسی و بین‌المللی و حتی بدون حمایت‌های کشورهای اسلامی به اجرا درآید.

برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی اجتهاد : http://:ijtihadnet.ir/